

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول و مبانی سبک زندگی علمی از منظر امام صادق (ع)

The doctrines & bases of Scientific Life Style in Viewpoint of Imam Sadiq (p.b.u.h)

فرشته جانی پور *

محمد جانی پور **

چکیده

یکی از مهمترین ابعاد سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی علمی است که هویت و مسیر تکاملی افراد و جوامع انسانی را تعیین کرده و در ساختار فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزایی را بر عهده دارد. پرداختن به این مطلب، بویژه تلاش برای استخراج اصول و مبانی آن جهت تدوین برنامه جامع نظام تعلیم و تربیت، امری مهم و ضروری بوده و شایسته است هر نظامی در مراحل مختلف تمدن سازی خود آن را بازیابی و مورد توجه قرار دهد.

در این میان برخی اندیشمندان معتقدند که از آموزه‌های دینی (قرآن و احادیث) نمی‌توان اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت را استخراج کرده و تنها منبع الهام بخش در این زمینه، دانش‌های ناقص بشری است. اگرچه پاسخ‌هایی تئوری به این شبهه داده شده، لکن به نظر می‌رسد بهترین پاسخ عملی در این خصوص، مراجعه به آموزه‌های دینی و استخراج اصول و مبانی مطرح شده در خصوص نظام تعلیم و تربیت افراد و جوامع انسانی باشد که می‌تواند در نهایت بخشی از مهمترین خلاءهای ترسیم‌الگوی سبک زندگی اسلامی را تکمیل کند.

از آنجا که عمده‌ترین احادیث و روایات موجود، به امام جعفر صادق (ع) منسوب بوده و به این دلیل مذهب شیعه، به مذهب جعفری مشهور شده است، لذا در این مقاله تلاش شده با مطالعه دقیق روایات این امام همام، اصول و مبانی و روش‌های تعلیم و تربیت در مکتب ایشان استخراج و تدوین شده و در نهایت الگوی سبک زندگی علمی از منظر امام صادق (ع) ترسیم شود.

بی‌شک انجام چنین پژوهش‌هایی در خصوص قرآن کریم و دیگر روایات ائمه اطهار (ع) و جمع‌بندی یافته‌های آنها می‌تواند تحولی عظیم در نظام تعلیم و تربیت کشور ایجاد کرده و بسیاری از آسیب‌ها و خلاءهای موجود را پوشش دهد.

واژه‌های کلیدی:

امام صادق (ع)، سبک زندگی علمی، علم، آموزش و پرورش، تربیت.

Key words: Imam Sadiq, Scientific Life Style, Science, Instruction & Culture, manner.

janpoor@gmail.com

janipoor@isu.ac.ir

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)



مقدمه

در تربیت اسلامی پس از قرآن کریم، این سنت و سیره ائمه اطهار(ع) است که عمده و اصلی ترین منبع محسوب می شود چرا که قرآن می فرماید پیامبر اسلام(ص) اسوه نیکو برای شماست. پس از پیامبر نیز منبع بزرگ تعلیم و تربیت اسلامی، مخصوصاً برای تشیع، سنت و سیره معصومین (علیهم السلام) است که هادیان طریق و ناجیان غریقند. در میان ائمه معصومین، امام جعفر صادق(ع) جایگاه ویژه ای دارند زیرا که عمده ترین احادیث و روایات شیعی به ایشان منسوب است و مذهب شیعه به این دلیل به مذهب جعفری مشهور شده است. بر این اساس بررسی سیره و سخنان آن امام همام و استنباط و استخراج اهداف و روش های تربیتی از آنها دارای اهمیت ویژه ای است.

امام جعفر صادق در ۱۷ ربیع الاول سال ۸۰ ه.ق و به روایتی ۸۳ ه.ق در مدینه به دنیا آمد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۴) و در سال ۱۴۸ ه.ق با زهر منصور دوانیقی به شهادت رسید (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۵۴). آن حضرت القاب چندی داشت که مشهورترین آنها صادق، صابر، فاضل و طاهر بود. از آن جا که وی در بیان و گفتار راستگو بود، او را صادق می خواندند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۵).

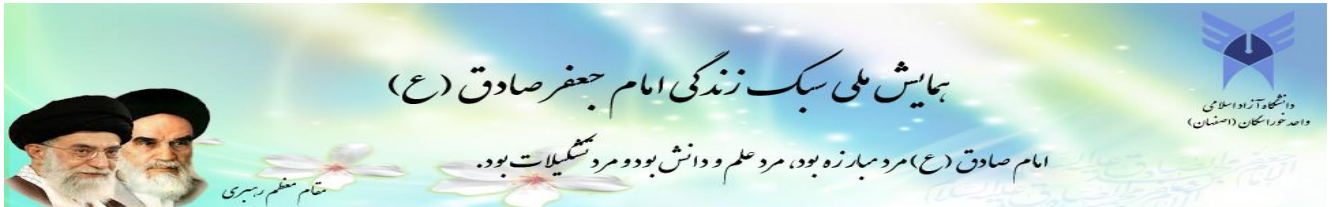
دوران امامت آن حضرت مصادف با چند خلیفه اموی و عباسی بود. عباسیان در ابتدا با شعار حمایت از آل علی(ع) خود را به حکومت رساندند اما پس از چندی با ریا و تزویر از معصومین فاصله گرفتند و مردم را در تباهی و فساد غرق کردند. امام ناچار بود که با تناقض ها و امواج منحرفی که امت را در ورطه سقوط قرار داده بود مبارزه و اساس اسلام را حفظ نماید. آن بزرگوار با دو گونه انحراف مواجه بود. اول انحراف در سطح سیاسی (کل دستگاه حاکمه) و دوم انحراف علمی و دینی (به علت ورود فرهنگ ها و اندیشه های شاهنشاهی ایران و روم).

آن حضرت با شناختی که از مردم و حاکمان زمان خویش پیدا کرده بود قیام مسلحانه را برای براندازی ظلم و برپا داشتن حکومت عدل به صلاح جامعه ی زمان خود ندید. بر این اساس بود که امام اصلاح ساختار عقیدتی جامعه را وجهه ی همت خود قرار داده و با تدوین و تصویب فقه به جای مانده از رسول گرامی اسلام دانشگاه بزرگ خود را بنا نهادند (نصیری، ۱۳۷۸، ص ۴۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۶).

۱. بررسی امکان استخراج اصول و مبانی تعلیم و تربیت از آموزه های دینی

پیش از پرداختن به مبحث اصلی مقاله، لازم است در ابتدا بدین پرسش اساسی پاسخ گفت که آیا اصلاً امکان استخراج اصول و مبانی تعلیم و تربیت از آموزه های دین همانند آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار(ع) وجود دارد یا خیر؟

در پاسخ بدین سوال باید گفت که در دین اسلام و سیره ائمه اطهار(ع)، به تربیت و رشد همه جانبه ابعاد وجودی انسان ها توجه و تاکید بسیار شده، چرا که انسان دارای جنبه های ذهنی، بدنی، روحی، اجتماعی و معنوی است. این در حالی است که در آسیب شناسی های انجام شده از نظام تعلیم و تربیت کشور و نهادها و سازمانهای متولی این امور، این مطلب به وضوح نمایان شده است که نظام تعلیم از نظام تربیت و نظام فرهنگ کشور جدا بوده و هر کدام به صورت مستقل، منفک از همدیگر و با برنامه ها و روندهایی مختلف به فعالیت مشغول هستند.



به نظر می‌رسد زمانی می‌توان افراد یک جامعه را افرادی متعالی، عالم، اندیشمند و فرهیخته معرفی نمود که نظام تعلیم و تربیت و نظام فرهنگ و آموزش کشور همگام با یکدیگر و در مسیری با برنامه‌ها و اهداف مشترک و همسو گام برداشته و بدین صورت وظیفه تعلیم و تعلم و تربیت افراد را بر عهده بگیرند.

در عین حال باید توجه داشت که این مطلب، دقیقاً همان معنایی است که امروزه در جوامع توسعه یافته از نظام تعلیم و تربیت بر آن تاکید می‌شود. به عنوان نمونه «سینگ» معتقد است در قرن بیست و یک، تعلیم و تربیت نقش اساسی در ساختن جامعه دارد و این نقش باید بر انسان و رشد همه جانبه او متمرکز شود (Singh, 1991, p. 45).

«میندیرتا» نیز بر این مبنا تربیت را هر فرایند رسمی و غیر رسمی که به رشد تمام توانایی‌های انسان کمک می‌کند، تعریف کرده است (Mehndiratta, 2002, p. 903).

در این میان مباحث بسیار زیادی در این زمینه صورت گرفته است که آیا مفهوم «تربیت دینی» به طور اعم و «تربیت اسلامی» به طور اخص مفهومی معنی دار است یا خیر؟ به عبارت دیگر اگر بخواهیم تربیت را به مثابه یک علم بنگریم آیا می‌توانیم آن را با دینی همانند اسلام پیوند دهیم یا خیر؟

در این خصوص نظرات مختلفی توسط اندیشمندان این حوزه ارائه شده است. گروهی از مخالفان مفهوم تربیت دینی، برای اثبات ادعای خود که مفهوم تربیت دینی یا تربیت اسلامی و تربیت برگرفته از سیره ائمه اطهار(ع)، مفهومی بی معنی و غیر ممکن است، به سه دلیل ذیل اشاره کرده‌اند:

۱- دانش دینی، صورت متمایزی ندارد، بلکه آنچه در متون دینی مطرح شده، متعلق به حوزه‌های دیگر دانش است.
۲- دانش و علم، ماهیتی مستقل دارد و نمی‌توان آن را وامدار دین کرد و از علمی دینی سخن گفت. بنابراین فهم علمی، ماهیتاً مستقل از فهم دین است.

۳- آموزه‌های دینی به شرایط خاص تاریخی خود اشاره دارند. این آموزه‌ها متعلق به زمینه‌های اجتماعی خاص در گذشته است و نمی‌توان آن را به روزگار صنعتی و پیشرفته کنونی تعمیم داد (Otto, 1950, p. 52).

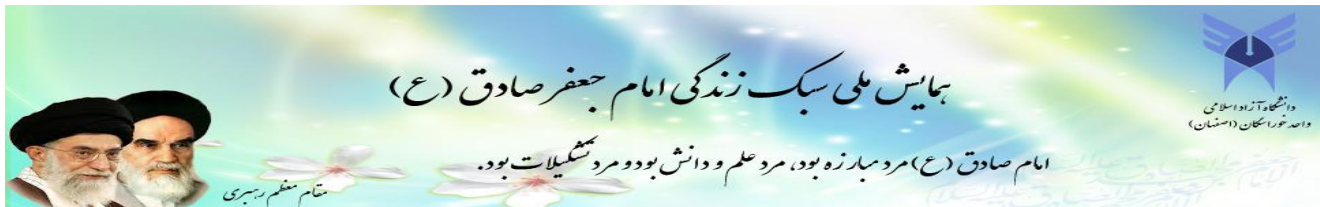
در عین حال برخی از موافقان وجود علم دینی در کنار علوم طبیعی، به شبهات فوق چنین پاسخ گفته‌اند:

۱- در شبهه اول، آنچه بدان توجه نشده، این است که متون دینی، محوری اساسی دارند و این محور اساسی خداوند است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در تمام گزاره‌های دینی، خداوند به نحوی پیش فرض گرفته شده و این مهم، متغیر مهم معادلات بوده و موجب استقلال این گزاره‌هاست.

۲- در شبهه دوم، به روش‌های علمی توجه شده و ماهیت علم از حیث نظریه بودن آن مورد غفلت واقع شده است. باید توجه داشت که قلمرو نظریه در علم، قلمرویی است که نمی‌توان در آن داعیه استقلال داشت. به عبارت دیگر مشاهدات محقق مستقیم و محض نیست و به شدت تحت تأثیر زمینه فکری و پیش فرض‌های وی می‌باشد.

۳- اگر تاریخمند بودن افکار و اندیشه‌ها را همواره چون مانعی بر تعمیم‌پذیری آنها بدانیم، در این صورت در ورطه نسبیّت گزایی مهلکی گام نهاده‌ایم که اعتباری برای هیچ اندیشه‌ای باقی نخواهد گذاشت. ممکن است ارزش‌ها و آموزه‌های موجود در متون دینی، محدودیت داشته باشند، اما این محدودیت، به ضرورت تاریخی بودن آنها نیست (باقری، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

۲. گزارشی از سبک و سیره علمی امام صادق(ع)



امام صادق (ع) در مدت ۳۴ سال امامت پر برکت خویش، نقش شایسته‌ای در گسترش فرهنگ حیات بخش اسلام انجام دادند. آن حضرت با استفاده از فرصت بدست آمده در عصر خویش (درگیری و نزاع میان بنی امیه و بنی عباس) وسیع‌ترین دانشگاه اسلامی را پی‌ریزی نمودند به گونه‌ای که گفته شده در دانشگاه آن حضرت حدود چهار هزار نفر شاگرد پرورش یافتند. در زمان امام صادق (ع)، نهضت‌های فرهنگی زیادی وجود داشت که بسیاری از آنها اسلام را تهدید می‌کردند. در این شرایط، امام صادق (ع) با تمام قوا، با همه این جریان‌های فکری مختلف برخورد کرده و مکتبی بزرگ با حضور عالمان بزرگ رشته‌های حدیث، تفسیر، حکمت و ... تشکیل دادند.

در این بخش به چند نمونه از اقوال شاگردان برجسته ایشان که بیانگر سبک و سیره علمی آن امام همام است اشاره شده و تفصیل این مبحث به کتاب «استاد الاسد» ارجاع داده می‌شود (ر.ک: حیدر، ۱۳۶۹، ص ۹۲):

مالک بن انس (۹۷-۱۹۷ ه.ق) یکی از پیشوایان چهارگانه اهل سنت و جماعت و رئیس فرقه مالکی است که مدتی نزد امام به تحصیل علم پرداخته درباره امام می‌گوید: مدتی به حضور جعفر بن محمد می‌رسیدم. آن حضرت اهل مزاح بود. همواره تبسم ملایمی بر لب‌هایش نمایان بود. هنگامی که در محضر آن حضرت نام مبارک رسول گرامی اسلام به میان می‌آمد رنگ رخساره اش به سبزی و سپس به زردی می‌گرایید. در طول مدتی که به خانه آن حضرت آمد و شد داشتم، او را ندیدم جز این که در یکی از سه حالت به سر می‌برد؛ یا او را در حال نماز خواندن دیدم و یا حالت روزه داری و یا در حالت قرائت قرآن. من ندیدم که جعفر بن محمد بدون وضو و طهارت از رسول خدا حدیثی نقل کند. من ندیدم که آن حضرت سخنی گزاف و بیهوده بگوید. او از عالمان زاهدی بود که از خدا خوف داشت. ترس از خدا سراسر وجودش را گرفته بود. هرگز نشد که به محضرش شرفیاب شوم، جز این که زیراندازی که زیر پای آن حضرت گسترده شده بود، برمی داشت و زیر پای من می‌گستراند (احمدی، ۱۳۶۸، ص ۹۲؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۶۳، ص ۲۳).

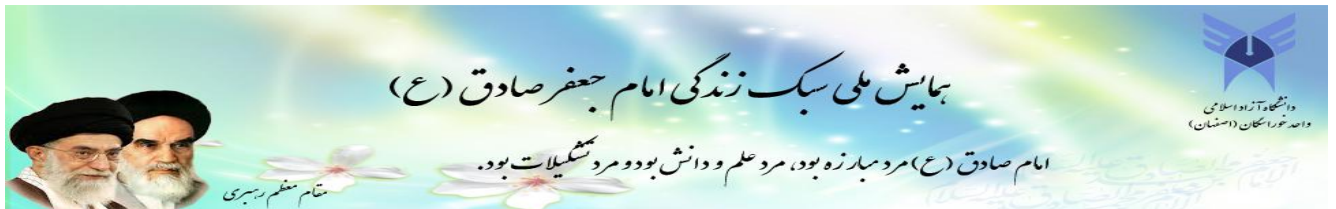
نعمان بن ثابت معروف به ابوحنیفه (۸۰ - ۱۵۰ ه.ق) پیشوای فرقه حنفی نیز از شاگردان امام است که از او نقل شده است که: اگر آن دو سال شاگردی من نزد جعفر بن محمد نبود، نعمان هلاک می‌شد. همچنین: من فقیه‌تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. او داناترین فرد این امت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

از دیگر شاگردان امام، جابر بن حیان است. وی کتابی در هزار ورق تألیف کرد و رساله‌های امام را که پانصد رساله بود در آن فراهم آورد. جابر فردی مشهور در بین دانشمندان است و کتاب‌های او در زمینه شیمی به لاتین ترجمه شده است (شهیدی، ۱۳۶۰، ص ۶۵).

به گفته ابن حجر عسقلانی، فقها و محدثانی همچون: ابن شعبه حرانی، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، مالک بن انس، ابن جریج، ابوحنیفه، پسر وی موسی، وهیب بن خالد، قطان، ابوعاصم و گروه انبوه دیگری از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند (عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۸).

۳. اصول و مبانی تعلیم و تعلّم در مکتب امام صادق (ع)

امامان شیعه در سیره و سخنان خود به تمام جنبه‌های انسان (بدنی، روحی، عقلی، عاطفی و دینی) توجه کرده‌اند و از سیره و سخنان آنان می‌توان در تمام این جنبه‌ها، اهداف و مبانی تربیتی آن را استخراج کرد. در ادامه تلاش می‌شود تا نمونه‌هایی از



سیره و سخنان امام صادق در زمینه‌های دینی - اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را ذکر کرده و از خلال آن اصول و مبانی تعلیم و تعلم را جهت دستیابی به سبک زندگی علمی آن امام همام استخراج نماییم.

۳-۱. مبانی اخلاقی و دینی تعلیم و تعلم از منظر امام صادق(ع)

۱-۱-۱. تأکید بر خدا باوری

باید گفت که از منظر دین مبین اسلام، مهمترین هدف از تعلیم و تعلم و تربیت اسلامی، انس با خداوند و تلاش برای تقرب به اوست و این یکی از مهمترین وجوه ممیزه تربیت دینی - اسلامی با انواع دیگر تربیت می‌باشد. بر این اساس تأکید بر انس و گرایش به خداوند نیز در سیره و سخنان معصومین فراوان آمده است. این دستور که می‌توان آن را همچون فرایندی دانست که با شناخت خداوند شروع شده و با گرایش و انس به خداوند ادامه می‌یابد، یک مبنای کلیدی در نظام تعلیم و تعلم می‌باشد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۹۳).

به عنوان نمونه امام صادق(ع) دوستان حقیقی خود را چنین معرفی می‌کند: «أَنْسُوا بِاللَّهِ وَاسْتَوْحَشُوا مِمَّا بِهِ اسْتَأْنَسَ الْمُتَرَفُّونَ أَوْلِيَاكُمْ أَوْلِيَايَ حَقًّا وَبِهِمْ تُكْشَفُ كُلُّ فِتْنَةٍ وَ تَرْفَعُ كُلُّ بَلِيَّةٍ»؛ آن‌ها با خدا انس گرفته اند و از آن چه که مال اندوزان به آن انس گرفته اند در هراسند. مومنان از نعمت‌های الهی بهره می‌برند اما به آن‌ها وابسته نمی‌شوند. وابستگی به مال دنیا موجب بندگی انسان در برابر مادیات خواهد شد. زراندوزان همواره به ثروت خود وابسته اند و شیعیان واقعی با یاد خدا آرامش می‌یابند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۰۲).

بنابراین امام صادق(ع) با این سخن گران بهای خود، دو اصل بسیار مهم را برای فرایند فوق مطرح می‌کند:

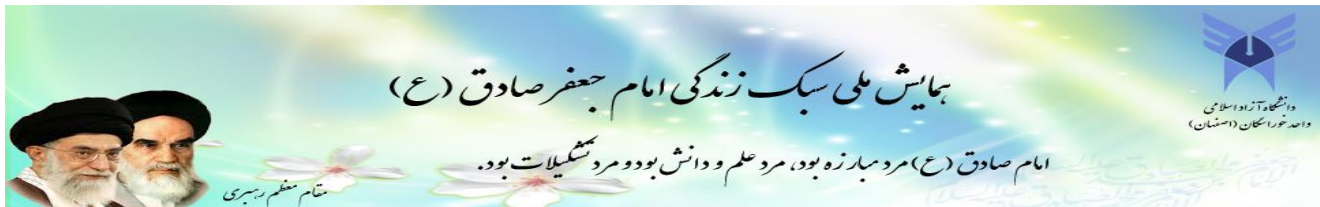
الف) لزوم بهره گیری از نعمات الهی

امام(ع) تأکید می‌کنند که انس با خداوند به منزله ی عدم استفاده از نعمات خداوند نیست. بلکه خداوند نعمت‌هایش را برای بندگانش خلق کرده است و باید از آنها بهره گرفت و همان گونه که قبلاً گفته شد خود این نعمات و استفاده از آنها راهی است جهت شکرگزاری و اتصال به خداوند.

این مطلب نیز مساله بسیار مهمی است چون در طول تاریخ، دو گروه در همین زمینه به اسلام زیان رسانده اند: گروه اول که خود مومن بودند اما اعتقاد داشتند که برای گرایش به سوی خداوند و انس با او باید از مادیات (نعمات حلال خداوند) چشم پوشی کرد و دنیا را ترک نمود.

گروه دوم آنهایی بودند که مغرضانه و یا نافهمانه دین اسلام را به دلیل دوری از دنیا و ترک نعمات خداوند دینی می‌دانند که خواهان توسعه و پیشرفت نیست. امام صادق(ع) با این سخن، یکی از اصول مهم خداپرستی را مطرح می‌کند که انسان با استفاده صحیح از دنیا و نعمات خداوند به او شناخت و گرایش پیدا می‌کند (ر.ک: حجتی، ۱۳۶۰، ص ۱۸).

ب) لزوم بهره گیری از دنیا به مثابه وسیله و ابزار



دنیا و آنچه در اوست برای رفاه و سعادت دنیوی انسان است. اما در عین حال انسان غیر از رفاه و سعادت دنیوی، سعادت نهایی و مهم تر دارد. بنابراین رفاه و سعادت دنیوی باید در مسیر و جهت آن سعادت نهایی و مهم تر قرار گیرد. به عبارت دیگر دنیا وسیله آخرت است و به خودی خود هدفی نهایی نیست.

۱-۲-۱. تأکید بر خدا محوری

امام صادق (ع) در فرازی از سخنان خود در زمینه وظیفه انسان در برابر نعمات خداوند، به فضایل اخلاقی ای اشاره می‌کند که از لحاظ تربیتی بسیار اهمیت دارد. ایشان می‌فرمایند: «کسی که خداوند دین حق را به او شناسانده و او را هدایت کرده و به رشد رسانیده و عقلی به او داده که بتواند به وسیله ی آن نعمت‌های خدا را بشناسد و او را علم و حکمت بهره مند ساخته تا بتواند کارهایش را با تدبیر انجام دهد، باید شکرگزار خدا باشد و در باره ی نعمت‌های خدا بیاندیشد و کفران نعمت ننماید و همواره روح اطاعت از خدا و ترک گناه و معصیت در او وجود داشته باشد» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۹۰).

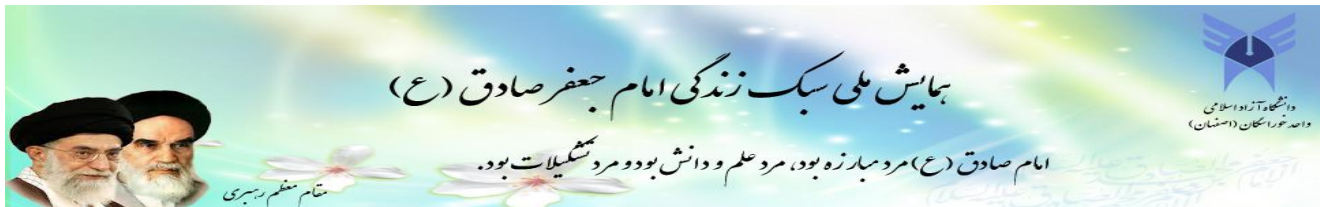
امام صادق (ع) در ادامه مباحث خود به مجموعه ای از فضایل اخلاقی اشاره می‌کند که برای نیل به کمالات انسانی جنبه کلیدی دارند؛ یعنی با انجام آن‌ها، انسان به فضایل اخلاقی دیگر نیز دست می‌یابد. گام اول در این مسیر، تقویت روحیه ی شکرگزاری و حق شناسی است. کسی که نسبت به خدمت کوچک انسان‌ها حق شناسی می‌کند، چگونه حاضر است از کنار نعمت‌های بی نهایت الهی بی تفاوت بگذرد؟

گام بعدی این است که انسان همیشه و در همه حال به یاد خدا باشد. خُلق سوم از مجموع این اخلاق کلیدی نیز این است که انسان نسبت به ولی نعمت خود فرمانبردار و مطیع بوده و مرتکب عصیان و گناه نشود. حضرت در ادامه به بیان چگونگی متخلق شدن انسان به این سه خلق کلیدی می‌پردازند که مضمون سخنان ایشان به این شرح است: «انسان باید درباره نعمت‌هایی که خداوند به او داده بپندیشد. نعمت‌های خداوند سه دسته اند؛ یک دسته نعمت‌هایی است که مربوط به پیش از تولد انسان است. دسته ی دوم، نعمت‌هایی است که خداوند وعده ی آن‌ها را در روز قیامت داده است. شرط رسیدن به نعمت‌های اخروی، اطاعت از دستورات الهی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲).

۱-۳-۱. تأکید بر اولویت آموزش معارف دینی

از دیگر اصول و مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام جعفر صادق (ع) شناسایی دین و مسایل آن می‌باشد و در این خصوص توصیه‌های بسیار زیادی در زمینه عبادات و معارف دینی و توجه به آن‌ها دارند. در عین حال باید توجه داشت ایشان توصیه کننده ای هستند که در ابتدا اولین عامل به عبادات نیز می‌باشند. از مجموع روایات صادره از ایشان در این زمینه نیز اینگونه برداشت می‌شود که از منظر امام صادق (ع) یکی از اصول و مبانی تربیت اسلامی، یادگیری عبادات مخصوصاً قرآن کریم و تقدم بخشی به آنها در جریان امور زندگی می‌باشد.

به عنوان مثال حضرت (ع) در این زمینه می‌فرمایند: «خیری نیست در آن گروه از اصحاب ما که تفقه در دین نمی‌کنند. ای بشیر، اگر یکی از شما به مسایل دینی اش آگاه نباشد به دیگران محتاج می‌شود و زمانی که به آن‌ها نیازمند شد آن‌ها ناخواسته او را در وادی گمراهی خود وارد می‌سازند» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۳).



همچنین در بیانی دیگر می‌فرمایند: «کسی که بدون آگاهی و بینش به دین عمل کند همانند کسی است که از بیراهه می‌رود و تندروری او جز دوری از راه نمی‌افزاید» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۳).

همچنین باید توجه داشت که عبادات و یادگیری و عمل به آنها یکی از مهمترین تأکیدات امام صادق(ع) و دیگر ائمه می‌باشد. بنابراین در ضمن اصول و مبانی تعلیم و تعلم اسلامی باید به آموزش عبادات و تأکید بر اهمیت و الویت آنها توجه ویژه نمود.

به عنوان مثال امام صادق(ع) می‌فرمایند: «بهترین عبادت، معرفت خدا و تواضع برای اوست» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۸۳). قرآن کریم نیز در سیره و سخنان امام صادق(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد چرا که یادگیری و قرائت قرآن یکی از اهداف تربیت است؛ چنانکه فرمودند: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَ كَانَ الْقُرْآنُ حَجِيْرًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ جوان مومنی که به قرائت قرآن پردازد قرآن با گوشت و خونس در می‌آمیزد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۶۰۳).

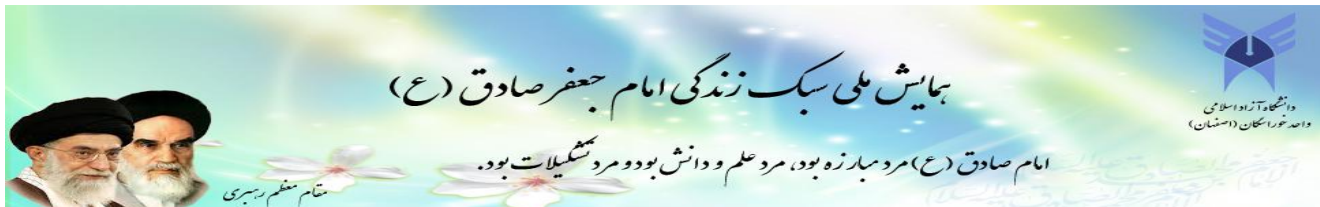
روایات نقل شده از حضرت درباره نماز نیز به اندازه یک کتاب قطور است. از فرمایشات ایشان است که: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّتْ لَهُ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا»؛ اولین عملی که در قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد نماز است. اگر نماز قبول شود سایر اعمال قبول می‌شود و اگر نماز رد شود سایر اعمال نیز رد خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۲۶۸).

و همچنین فرمودند: «بر شما باد که وقت نماز را حفظ کنید به خصوص نماز وسطی را و برای خدا نمازگزار باشید چنانچه خدا در کتاب خود به مومنان که پیش از شما بودند فرمان داده ...» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۲۷).

خود آن امام همام بر نماز و روزه بسیار مواظبت می‌کردند و چون نیمه شب برای خواندن نماز شب بر می‌خواستن با صدای بلند ذکر می‌گفتند و دعا می‌خواندند تا اهل خانه بشنوند و هرکس بخواهد برای عبادت برخیزد. ذکر رکوع و سجود را بسیار تکرار می‌کردند. در سجده چنین می‌گفتند: خداوندا مرا و یاران پدرم را بیامرز. می‌دانم در میان آنان کسانی هستند که بدی مرا می‌گویند. روایت شده که آن حضرت در نمازش قرآن می‌خواند سپس غش می‌کرد؛ روزی از او سوال شد چرا غش می‌نمایی؟ فرمود آن قدر آیات قرآن را تکرار می‌کنم تا به حالتی روحانی می‌رسم مثل این که آن را از خداوند بلاواسطه می‌شنوم و چون روزه می‌گرفتند بوی خوش به کار می‌بردند و بعد از رمضان بی درنگ زکات فطره ی خود، خانواده و خدمت کارانش را می‌پرداخت. امام خداوند را همه جا حاضر و ناظر اعمال خود می‌دانست و می‌فرمود: خداوندا مرا به اندازه یک چشم به هم زدن به خود وامگذار (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۲۳۸؛ بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۳۹).

۳-۱-۱. تأکید بر اخلاق محوری و رعایت آداب انسانی - اسلامی

از بررسی مجموع روایات و سیره علمی امام صادق(ع)، می‌توان به اصول و مبانی متعددی در زمینه نظام تعلیم و تربیت دست یافت که در این مقاله تلاش شده است تا به برخی از آنها اشاره شود. در ادامه به نظر می‌رسد از دیگر مبانی قابل استخراج از کلام ایشان، تأکید بر اخلاق محوری و رعایت آداب اخلاقی در تعلیم و تعلم باشد.



از این روی آن امام همام می‌فرمایند: «از ما نیست کسی که به بزرگترها احترام و به کوچکترها رحم نکند». همچنین از آن حضرت نقل شده است که هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) حرکت نمی‌کردند و اگر آن دو با هم بودند هرگز امام حسین (ع) جلوتر از امام حسن (ع) سخن نمی‌گفت (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۷۳).

همچنین در بیانی دیگر می‌فرمایند: «صبر و راستگویی و بردباری و خوش خلقی از اخلاق پیامبران است و در روز قیامت چیزی بهتر از حسن خلق در میزان (اعمال) گذاشته نمی‌شود. همچنین می‌فرمایند: هر کس جويا و پیرو ما باشد و از دشمنان ما پیروی نکند و چیزی که می‌داند بگوید و از آن چه که نمی‌داند و یا بر او مشکل (مشتببه) است، سکوت کند، در بهشت است (کمپانی، ۱۳۶۳، ص ۵۲).

در این سخن امام نکته تربیتی مهمی نهفته است که راهنمای همه ی معلمان و دانش آموزان است. معلم باید بر آن چه واقف است، بیاموزد؛ و در آن چه نمی‌داند سکوت کند. در تعلیم و تربیت نباید چیزی غلط و ناصواب آموخت و معلم در این مهم بیشترین نقش را دارد. واژه «نمی‌دانم»، بسیار آموزنده تر است از «می‌دانم»ی که نمی‌آموزد. و همچنین از سخنان ایشان است که: «سه چیز در او بلاغت و شیوائیست، معنی مقصود را رساندن، از سخن بیهوده دوری جستن، و با لفظ کم، معنی بسیار فهماندن» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۳۲).

از این سخن گهربار که راهنمای ما در نظام آموزش و پرورش است می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که:

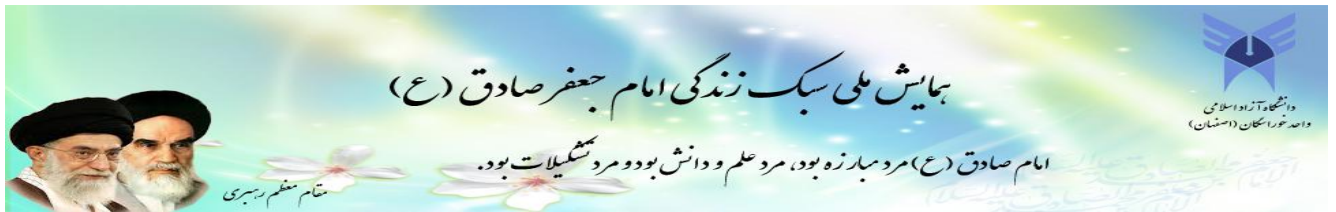
۱- معلم باید معنی و مقصود و هدف خود را برساند. به عبارت دیگر معلم باید به دانش آموزان بفهماند که از آنها چه می‌خواهد و هدف آن درس چیست. در بسیاری از مواقع، معلم آموزش می‌دهد اما چون هدفش برای دانش آموزان - و حتی بعضی مواقع برای خود- مشخص نیست، به یادگیری نمی‌انجامد.

۲- معلم باید از سخنان بیهوده پرهیزد. یکی از مصادیق سخنان بیهوده در آموزش، خارج شدن از مدار محتوا یا موضوعی است که در حال آموزش می‌باشد. اگر معلمی بی ربط با موضوع آموزش صحبت کند، یادگیری با مشکل مواجه می‌شود زیرا تحقیقات نشان داده است که ارتباط و پیوستگی مطالب نقش مهمی در یادگیری دارد (پیاژه، ۱۹۶۹م، ص ۲۵).

مصدق دیگر سخنان بیهوده، سخنان ناروا و نامناسب است. این مساله بسیار مهمی است زیرا دانش آموزان بسیاری از امور را از طریق سخنان و رفتار معلم می‌آموزند و اگر سخن و رفتار او ناشایست باشد به دانش آموز منتقل می‌شود. غزالی در رساله‌الادب فی‌الدین می‌گوید که معلم باید شایسته ی این جایگاه بوده و دارای خصایل نیکو باشد زیرا رفتار وی در دانش آموز بسیار تأثیر می‌گذارد: «شاگردان نوجوان در سالیانی زندگی می‌کنند که تقلیدگرند و در چشم آنان آن معلم مردی نمونه است؛ چشمهایشان به رفتار و کردار او دوخته شده است و دریچه گوشهایشان به گفتار او گشوده گردیده است. اینان هر چه او بخواهد می‌خواهند و هر چه نپسندند نمی‌پسندند» (شلبی، ۱۹۵۱م، ص ۲۱۱).

۳- الفاظ و نحوه کاربرد آنها نیز در یادگیری بسیار موثر است. فارابی در کتاب «الفاظ المستعمله»، روش آموزش را به دو قسمت کلی تقسیم می‌کند: روش مسموع و روش احتذاء. در روش مسموع یادگیری بر اساس انتقال مفاهیم الفاظ صورت می‌گیرد و در روش احتذاء که روشی تقلیدی است، متعلم با مشاهده افعال معلم و تقلید از او به یادگیری می‌رسد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۱۳۴).

محققان تأکید می‌کنند که در کاربرد لفظ، باید به معنا و زمینه کاربرد آن توجه داشته باشیم. مثلاً می‌توان از واژه ی گربه معانی مختلفی استنباط کرد: خود گربه، یک شیء یا موجود خزه پوش و جاندار گربه صفت. بنابراین معلم باید در آموزش به معنای واژه‌ها و الفاظ توجه کند (Winch & Gingell, 1999, p. 129).



۱-۱-۴. تأکید بر رعایت تقوای علمی

یکی دیگر از سفارشات بسیار مهم ائمه اطهار(ع)، رعایت تقوا و توجه به آن است. بر این اساس تقوا، یکی از مبانی بسیار مهم در تربیت اسلامی است. از مجموع بیانات متعدد امام صادق(ع) در این زمینه، اینگونه برداشت می‌شود که لازم است انسان در همه حال مسئله تقوا را رعایت کند که یکی از مهمترین زمینه‌های آن، رعایت تقوا در تعلیم و تعلم می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: امام صادق(ع) می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ عَلَيْكُمْ بِالْبُيَاهِ ... وَاتَّقُوا اللَّهَ»؛ ای گروه جوانان تقوای الهی را پیشه گیرید. همچنین در بیانی دیگر می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ»؛ سزاوار نیست برای مومن که در مجلسی بنشیند که در آن معصیت می‌شود و نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۷۴).

همچنین از آنجا که از دیگر اصول و مبانی تعلیم و تربیت، رعایت ادب و تقوا می‌باشد، لذا امام(ع) در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّمَا امْتَحَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ بِطَاعَتِهِ لِمَا عَقَلُوهُ وَمَا لَمْ يَعْقِلُوهُ إِيْجَابًا لِلْحُجَّةِ وَقَطْعًا لِلشُّبْهَةِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ لَا يَفُوتُكُمْ خَيْرُ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْآخِرَةَ كَالْأَخِرَةِ لَا تَلْحَقُ وَ لَا تُنَالُ إِلَّا بِالذُّنْيَا» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۷۵).

۳-۲. مبانی سیاسی و اجتماعی تعلیم و تعلم از منظر امام صادق(ع)

۳-۲-۱. توصیه به هم اندیشی و مدارا با مخالفان

امام صادق (ع) شیعیان را به همزیستی و مدارا با اهل سنت دعوت کرده و در مواردی به ایشان دستور به برقراری جلسات علمی و مناظره می‌دهند تا به این طریق هم شیعیان از جامعه اکثریت منزوی نشوند و هم بتوان احکام و اصول شیعی را با ملاحظت به آنان منتقل کرد. از این رو در مدار حق با مسامحه با آنان رفتار می‌شد اما این سهل گرفتن هرگز به معنای زیر پا گذاشتن اصول نبود و آن جا که مساله اصولی در میان بود، حضرت هرگز تسلیم نمی‌شد.

به عنوان مثال در یکی از سفرها، امام صادق(ع) به حیره (شهری در میان بصره و کوفه) آمد. در آن جا منصور دوانیقی به خاطر ختنه فرزندش جمعی را به مهمانی دعوت کرده بود. امام نیز ناگزیر در آن مجلس حاضر شد. وقتی که سفره غذا انداختند، هنگام صرف غذا یکی از حاضرین آب خواست ولی به جای آن شراب آوردند. وقتی ظرف شراب را به او دادند، امام بی درنگ برخاست و مجلس را ترک کرد و فرمود که رسول خدا فرموده است: «ملعون است کسی که در کنار سفره ای بنشیند که در آن سفره شراب نوشیده شود» (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۸۲).

در تعلیم و تربیت همزیستی و مدارا نقش بسیاری دارد. افراد ممکن است نظرات مختلف و متفاوتی در زمینه ای داشته باشند. با مدارا و همزیستی باید همدیگر را تحمل کنند و به نظرات یکدیگر احترام بگذارند. این مدارا و همزیستی به معنای توهین و بی احترامی نسبت به عقیده ای نیست. به عبارت دیگر، در فضایی که افراد مختلف دارای عقاید و نظرات مختلف و بعضا مخالفی هستند، فقط باید به بیان و بررسی نظرات و عقاید پرداخته، و از توهین به نظرات پرهیز شود. دانش آموزان با بیان نظرات متعدد و گاه مخالف، از یکدیگر بسیاری از امور می‌آموزند (Joseph, 2002, p. 54).



۲-۲-۳. توصیه به آموزش‌های اجتماعی هدف محور

طبق سیره و سخنان امام صادق (ع)، لازم است که نظام آموزشی جامعه بر اساس هدف و برنامه مشخصی به تعلیم و تربیت افراد اقدام کند که این هدف با عناوینی کلی و در قالب تلاش برای آماده کردن دانش آموزان و متعلمان جهت انجام امور دنیوی و پذیرش مسئولیت‌های مهم در جامعه در زبان روایات بیان شده است.

بر این اساس باید گفت که بی شک یکی از اهداف نظام تعلیم و تربیت می‌بایست آماده کردن افراد برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی باشد و این خود گام بزرگی برای هدف محور کردن آموزش‌های اجتماعی می‌باشد. بر این اساس هر فردی باید حرفه ای را آموخته و به آن مشغول شود. از همین روی است که امام صادق (ع) یاران و پیروان خود را به کسب مال حلال تشویق می‌کرد و از آنان می‌خواست که در کار خود کوشا باشند و از هرگونه تنبلی و کسالت دوری کنند (باهنر، ۱۳۶۰، ص ۱۵).

ایشان کار کردن و تجارت را موجب عزت و سربلندی انسان می‌دانست و می‌فرمود: «صبح زود برای به دست آوردن عزت خود بروید ولی تاکید می‌کردند که تجارت باید سالم، و کسب درآمد از راه‌های درست و مشروع باشد. آن گرامی هرگونه کوشش و تلاش را برای توسعه زندگی خود و خانواده، حج و زیارت رفتن، صدقه دادن و صلح رحم کردن را تلاش برای آخرت می‌دانستند نه دنیا» (کمپانی، ۱۳۶۳، ص ۹۱).

ایشان خود نیز کار می‌کردند و در روزهای بسیار گرم تابستان، عرق ریزان در مزرعه و باغ خود فعالیت می‌نمود. هر وقت کارگری را به کار می‌گرفت، پیش از خشک شدن عرقش مزدش را می‌داد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

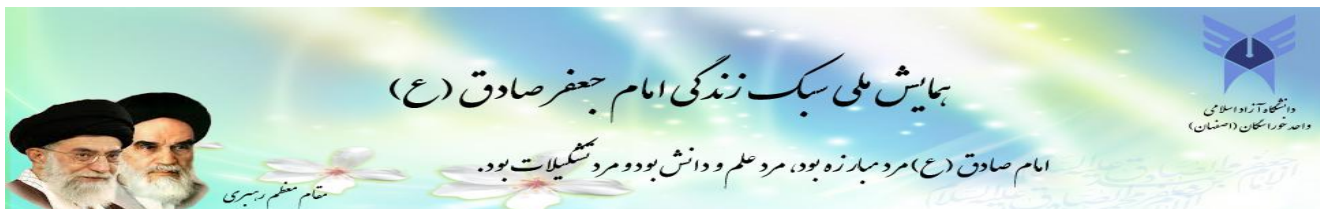
از این سیره و سخنان امام نکات تربیتی مهمی می‌توان دریافت کرد که برخی از آنها به شرح ذیل است:

- ۱- کار و فعالیت امری مهم و حیاتی است که با دین و آخرت انسان گره خورده و نتایج آن دنیوی و اخروی است
- ۲- تعلیم و تربیت باید جوانان را برای مشاغل آینده جامعه آماده کند.
- ۳- هر فرد تا آنجا که می‌تواند باید خود کار و تلاش کند و کار خود را به دیگران محول نکند.
- ۴- در صورت نیاز داشتن به همکار یا کارگر، باید حقوق او را رعایت کرد و حق الزحمه او را به موقع پرداخت نمود.
- ۵- کسب و کار و سود ناشی از آن باید حلال و منصفانه باشد.

۳-۲-۳. توجه به مبانی سیاست اسلامی در نظام تعلیم و تربیت

آموزش نحوه حکومت داری به شکل عادلانه و فهم معارف سیاسی دین اسلام که مهمترین ارکان آن محبت به جامعه اسلامی و بیزاری و دوری از غاصبان و ظالمان می‌باشد، یکی از اصول و مبانی کلیدی تعلیم و تربیت اسلامی بوده که نشانه‌های تأکید بر آن در سیره و سخنان امامان معصوم (ع)، به وضوح قابل درک و مشاهده است. همانطور که نحوه آموزش عملی این بزرگان، سراسر مبارزه با ظلم و بی عدالتی و توجه به مستمندان و حمایت از حق و حقیقت و مستضعفین بوده است.

امام صادق (ع) حتی در مجالس عمومی خلیفه نیز حاضر نمی‌شد زیرا حکومت را غاصب می‌دانست و حاضر نبود با پای خود بدان جا برود، زیرا با این کار از ناحق بودن آنان چشم پوشی می‌شد و تنها در برخی مواقع و به خاطر مصالحی حضور



می‌یافتند. به همین دلیل منصور ضمن نامه ای به امام نوشت: چرا تو به اطراف ما مانند سایر مردم نمی‌آیی؟ امام در پاسخ نوشت: نزد ما چیزی نیست که به خاطر آن از تو بترسیم و بیاییم؛ نزد تو نیز در مورد آخرت چیزی نیست که به آن امیدوار باشیم. تو نعمتی نداری که بیاییم و به خاطر آن به تو تبریک بگوییم و آن چه که اکنون داری آن را بلا و عذاب نمی‌دانی تا بیاییم و تسلیت بگوییم. منصور نوشت: بیا تا ما را نصیحت کنی. امام نیز نوشت: کسی که آخرت را بخواهد با تو هم‌نشین نمی‌شود و کسی که دنیا را بخواهد به خاطر دنیای خود، تو را نصیحت نمی‌کند (کمپانی، ۱۳۶۳، ص ۴۱).

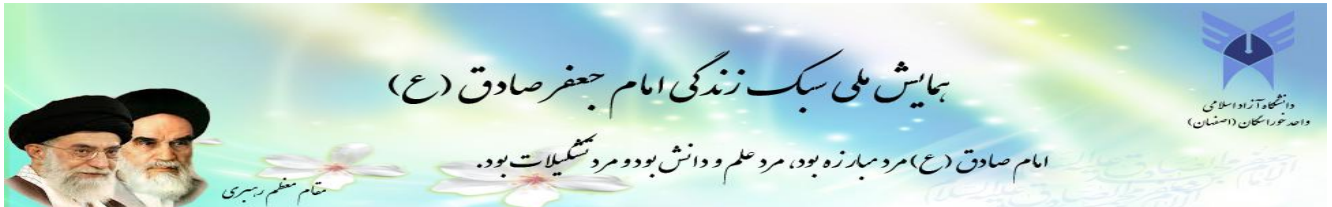
از همین روی ایشان در برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود، حمایت از ناتوانان و نیازمندان و کمک به ایشان را به عنوان برنامه‌های اصلی معرفی کرده و جایگاهی ویژه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی برای آن قائل بودند؛ چنان که می‌فرمایند: «ای پسر جندب، آن که در انجام حاجت برادرش گام زند چون کسی است که میان صفا و مروه سعی کند و برآورنده ی حاجتش چون کسی است که روز بدر در راه خدا به خون غلطیده، و خدا هیچ مردمی را عذاب نکرده مگر هنگام بی‌اعتنایی به حقوق فقراء خودشان» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۱۳).

و همچنین می‌فرمایند: «از خدا بترسید درباره ی برادران مسلمان و مسکین خود زیرا آنان به شما حق دارند که دوستشان بدارید...» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۲۷). امام (ع) در نهایت علاقه به کار و تلاش، هرگز فریفته درهم و دینار نمی‌شد و بهترین کار را از نظر خداوند تقسیم‌داری خود با نیازمندان می‌دانست. به عنوان مثال امام (ع) در مورد باغ شخصی خود می‌فرمود: وقتی خرماها می‌رسد، می‌گویم دیوارها را بشکافند تا مردم وارد شوند و بخورند. همچنین می‌گویم ده ظرف خرما که بر سر هر یک ده نفر بتوانند بنشینند آماده سازند تا وقتی ده نفر خوردند، ده نفر دیگر بیایند و هر یک، یک مد خرما بخورند. آن گاه می‌خواهم برای تمام همسایگان باغ (پیرمرد، پیرزن، مریض، کودک و هر کس دیگر که توان آمدن به باغ را نداشته) یک مد خرما ببرند. سپس مزد باغبان و کارگران ... را می‌دهم و باقی مانده محصول را به مدینه آورده بین نیازمندان تقسیم می‌کنم و دست آخر از محصول چهارهزار دیناری، چهارصد درهم برایم می‌ماند (حیدر، ۱۳۶۹، ص ۲۳).

۳-۲-۴. توجه به حقوق فردی و اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت

توجه به حقوق دیگران از تاکیدات مؤکد همه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بوده که در روایات از آن به «حق الناس» تعبیر شده است. به عنوان مثال امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرمایند: آسان‌ترین حقوق این است که برای برادرش (برادر مسلمان) آن را بخواهد که برای خود می‌خواهد و در حق او نخواهد آن را که برای خود نمی‌خواهد. در راه برآوردن حاجتش قدم بردارد، خشنودی او را بخواهد و به گفته ی او مخالفت ننماید (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹۳).

باید گفت که توجه به حقوق فردی و اجتماعی دیگران امری بسیار مهم و حیاتی در تعلیم و تربیت است و آموزش این امر می‌بایست یکی از اهداف و برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی باشد. در این زمینه می‌توان به حقوق والدین به فرزندان (در مقام اولین مربیان)، حقوق فرزندان به والدین، حقوق معلمان به دانش‌آموزان و حقوق دانش‌آموزان به معلمان اشاره کرد. مثلا در آیات و روایات، به احترام والدین بسیار تاکید شده است و قرآن کریم می‌فرماید که به آن‌ها حتی یک «اف» هم نگویید.



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

فرزندان نیز نسبت به والدین حقوقی دارند. امام صادق (ع) می فرمایند: «پدر و مادر را بر فرزند سه حق است. شکر آنان در هر حال، اطاعتشان در هر امر و نهی که عصیت خدا نباشد، و خیرخواهی برای آن‌ها در نهان و عیان، و فرزند را بر آنان سه حق است، مادر خوب انتخاب کردن، نام خوب نهادن و پرورش خوب دادن (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۳۷).

غزالی نیز با آوردن روایتی از پیامبر (ص)، از حقوق فرزند بر پدر را ادب آموختن و نام نیکو نهادن می‌داند؛ چنانچه پیامبر (ص) فرمود: «مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةٌ يَحْسُنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ» (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۷۱، ص ۸۰). وی با ذکر روایتی این مسأله را توضیح می‌دهد که حابس تمیمی پیامبر (ص) را دید که فرزند خود حسن را می‌بوسید، گفت: من ده فرزند دارم، هیچ‌کس را از ایشان نبوسیده‌ام. گفت: «ان من لا یرحم لایرحم»؛ کسی که مهربانی نکند، مهربانی نبیند (غزالی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۶۷).

غزالی همچنین در کتاب «الادب فی الدین»، طاعت از والدین و احترام گذاشتن به آنها را مورد تأکید قرار داده و می‌افزاید: «فرزند باید که سخن والدین خود را بشنود و هرگاه او را بخواند برود و چون برخیزد برخیزد و با ایشان عصیان نرورد و از آنچه منع کنند بپرهیزد ... هرگاه برایشان نیکی کند یا امر ایشان انجام دهد، متنی بر آنها نهد و با دیده غضبناک بر آنها ننگرد» (عطاران، ۱۳۶۸، ص ۹۵).

در کتاب «کیمیای سعادت» امام محمد غزالی نیز به قول رسول اکرم (ص) می‌گوید که وی فرمود: «نیکویی کردن بر مادر و پدر، فاضلتر از نماز و روزه و حج و عمره و غزا است» (غزالی، ۱۳۶۱، ص ۳۳۸).

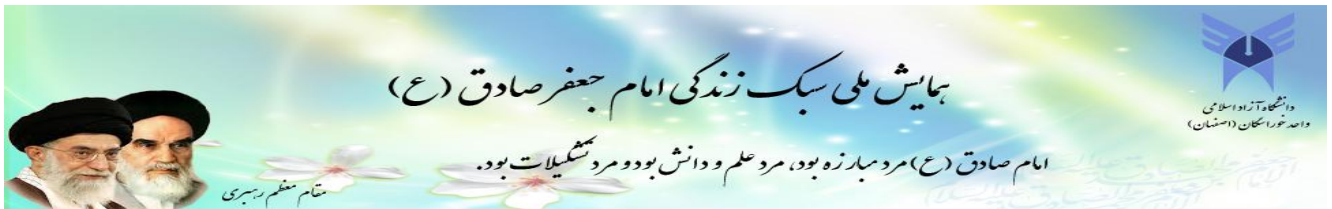
در همین راستا است که متوجه می‌شویم مسئله صبر و گذشت در نظام تعلیم و تربیت اسلامی چه جایگاهی دارد. این مسئله گذشت علاوه بر آن که آثار روحی بسیار زیادی بر عامل آن دارد، نوعی تنبّه و بیداری نیز برای فرد رقیب است. به همین دلیل است که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «ای پسر جنبد بپیوند با کسی که از تو بریده، و بده به آن که از تو دریغ کرده، و احسان کن بر کسی که به تو دشنام داده و انصاف بده به کسی که با تو خصومت کرده، و بگذر از کسی که به تو ستم کرده چنانچه دوست داری که از تو گذشت شود به عفو خدا، از خودت توجه کن، نبینی که آفتابش بر نیکان و بدان هر دو می‌تابد و بارانش بر صالح و خطاکار می‌بارد» (ابن شعبه بحرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۱۷).

۴. روش‌های تعلیم و تربیت در مکتب علمی امام صادق (ع)

یکی از منابع بسیار مهمی که می‌توان برنامه‌ها و روش‌های تعلیمی و تربیتی را با توجه به سیره امام صادق (ع) از آن استخراج کرد، توجه به مکتب علمی و دانشگاه امام صادق (ع) است. در طول تاریخ به ندرت می‌توان مکتب و کلاس درسی همچون مجالس و محافل علمی امام صادق (ع) یافت که نسل‌های متوالی را تحت تأثیر خود قرار داده و دانشجویانی متمدن و فرهیخته تربیت کند.

مشهور است که روش امام جعفر صادق (ع) مطابق با جدیدترین روش‌های آموزشی بوده و در این جلسات متعلمان به کشف قواعد، استنباط، نقد حدیث، کوشش در جهت تألیف و تصنیف و تقسیم بندی احکام تشویق می‌شدند و این جلسات محلی جهت برخورد فکری عالمان و دانشجویان بوده است (حیدر، ۱۳۶۹، ص ۹۹).

هر کس از تشنه کمان علم و حقیقت به سوی امام می‌رفت، حضرت او را با آغوش باز می‌پذیرفت. در جلسات امام صادق (ع)، دانش‌های گوناگونی از علوم دینی مانند فلسفه، حدیث و تفسیر تا علوم طبیعی مانند تاریخ، اخلاق و جامعه‌شناسی عرضه شده بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۱۶).



آن حضرت در حوزه درسی خود به تربیت متخصصان اهتمام نشان می‌داد. مثلاً هشام بن حکم متخصص در مباحث تئوریک بود و یا زراره و محمد بن مسلم و عده ای دیگر در مسایل دینی تخصص داشتند و جابر بن حیان متخصص ریاضیات بود. اگر کسی برای علم آموزی می‌آمد، امام می‌پرسید خواهان آموختن کدام علم است. اگر پاسخ می‌داد فقه، امام او را به متخصصان فقه راهنمایی می‌کرد و اگر می‌گفت تفسیر، او را به متخصصان تفسیر دلالت می‌کرد، و به همین ترتیب اگر می‌گفت حدیث یا سیره، یا ریاضیات یا پزشکی یا شیمی، آن حضرت وی را به برجستگان و خبرگان در این علوم راهنمایی می‌کرد و آن دانشجو به ملازمت هر کس که خود می‌خواست در می‌آمد تا پس از مدتی به دانشمندی توانا و برجسته در دانش دلخواه خود تبدیل شود.

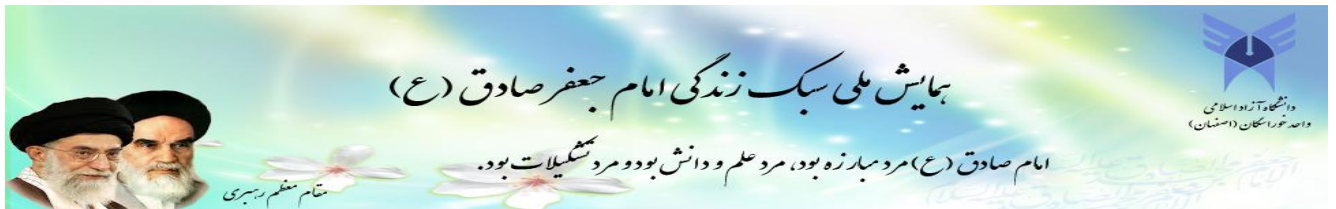
حضور در جلسات علمی امام صادق(ع) برای همگان ممکن بود. امام نیز مجالس اصلی خود را در جایی مهم و حساس یعنی مدینه قرار داده بودند (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۱۳). می‌توان گفت که برنامه مکتب علمی امام صادق(ع) به سه قسمت تقسیم می‌شده است:

۱. امام بخشی از مباحث علمی خود را به کسانی اختصاص می‌دادند که از فلسفه یونان بالاخص و سایر فلسفه‌ها بالاخص آگاهی داشتند و به خوبی از نظر اسلام درباره آنها و دلایلی که آن فلسفه‌ها را نقض می‌کرد، آگاه بودند.
 ۲. سپس آن حضرت به نوشتن رساله‌هایی همچون «توحید مفضل» و «اهلیجه» و ... اقدام کرده
 ۳. و در نهایت امام(ع) مستقیماً با سران اندیشه‌های الحادی به بحث و مناظره می‌پرداختند (نصیری، ۱۳۷۸، ص ۸۹).
- باید گفت که در حوزه مباحث تعلیم و تربیت از دو رویکرد آموزشی یاد می‌شود: اول رویکردی که دانش آموز در آن منفعل است و معلم قصد دارد که همه چیز را به ذهن دانش آموز منتقل کند. در این رویکرد فهم و درک جایگاهی ندارد و تاکید بر محفوظات است. در رویکرد دوم، دانش آموز و یادگیرنده نقش فعالی بر عهده دارد. در این رویکرد بر فهم و درک تاکید می‌شود و یادگیرنده به بحث و مذاکره با معلم می‌پردازد (Suarez-Orozco and Oin-Hilliard, 2004, p. 241).
- باید گفت که رویکرد امام، به فهم و درک یادگیرنده است و به همین دلیل به بحث و مناظره می‌پردازد و بحث و مناظره یکی از روش‌های آموزشی مورد تاکید امام بوده و خود بارها از این روش استفاده می‌کردند. توجه به بحث و گفتگو، یکی از تاکیدات بسیار مهم تعلیم و تربیت امروز است. (شریعتمداری، ۱۳۸۰، ص ۹۷).
- به نظر می‌رسد تمام روش‌های مذکور بدین منظور است که فرد از کار نادرست و بطلان حرف خود آگاه شود و آن را اصلاح کند و این وظیفه معلم است که چنین شرایطی را فراهم کند. در امر به معروف و نهی از منکر نیز که به مثابه یکی از روش‌های مهم تعلیم و تربیت مطرح می‌شود، نکات مهم و قابل توجهی قابل برداشت است (شریعتمداری، ۱۳۷۴، ص ۱۲۸).

نتیجه گیری

همانگونه که در ابتدای مقاله اشاره شد، برخی از اندیشمندان معتقدند که امکان استخراج اصول و مبانی تعلیم و تربیت از آموزه‌های دینی (قرآن و حدیث) وجود نداشته و تنها با بهره گیری از مباحث روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... که زاینده علم ناقص بشری است، می‌بایست به تدوین برنامه‌ها و اهداف نظام تعلیم و تربیت یک جامعه پرداخت.

اگرچه پاسخ‌های متعددی بدین شبهه داده شده و اندیشمندان دینی تلاش کرده‌اند تا از لحاظ نظری و تئوری این فرضیه را باطل کنند، لکن به نظر می‌رسد بهترین پاسخ در این زمینه، استخراج اصول و مبانی و اهداف و برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت



از محتوای آموزه‌های دینی باشد که به عنوان پاسخی سلبی و مثالی نقض به خوبی می‌تواند بطلان فرضیه مذکور را اثبات نماید.

همچنین از آنجا که دین اسلام، دینی جامع و کامل بوده و در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دستورالعمل‌های مفصلی را بیان کرده است، لذا پرداختن به این مطلب مهم می‌تواند به استخراج الگوی سبک زندگی علمی افراد و جامعه اسلامی نیز کمک کرده و از این رهگذر اصول و مبانی سبک زندگی علمی را تدوین نمود.

در حقیقت این مقاله تلاش دارد تا با بررسی تنها بخشی از آموزه‌های دینی، گامی کوچک در زمینه کشف اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی برداشته و از این رهگذر راه تحقیق و پژوهش جهت تدوین الگوی جامع این نظام و در نهایت ترسیم الگوی جامع سبک زندگی علمی جوامع اسلامی را هموار نماید.

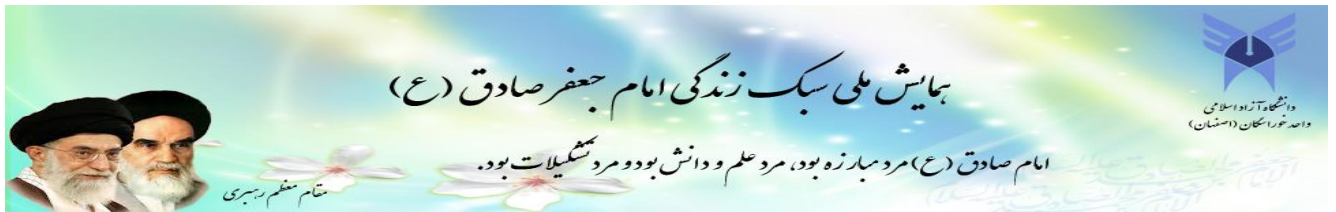
به همین منظور، به بررسی روایات و احادیث وارده از امام جعفر صادق (ع) به عنوان یکی از ائمه شاخص و تحول آفرین در حوزه تعلیم و تربیت پرداخته شده و تلاش شده تا با بررسی مجموع روایات ایشان در کتب حدیثی، اصول و مبانی تعلیم و تعلم و تربیت از منظر آن امام همام استخراج شود.

تحلیل محتوای احادیث امام صادق (ع) بیانگر آن است که می‌توان اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت را در دو حوزه مختلف بدین نحو ترسیم نمود:

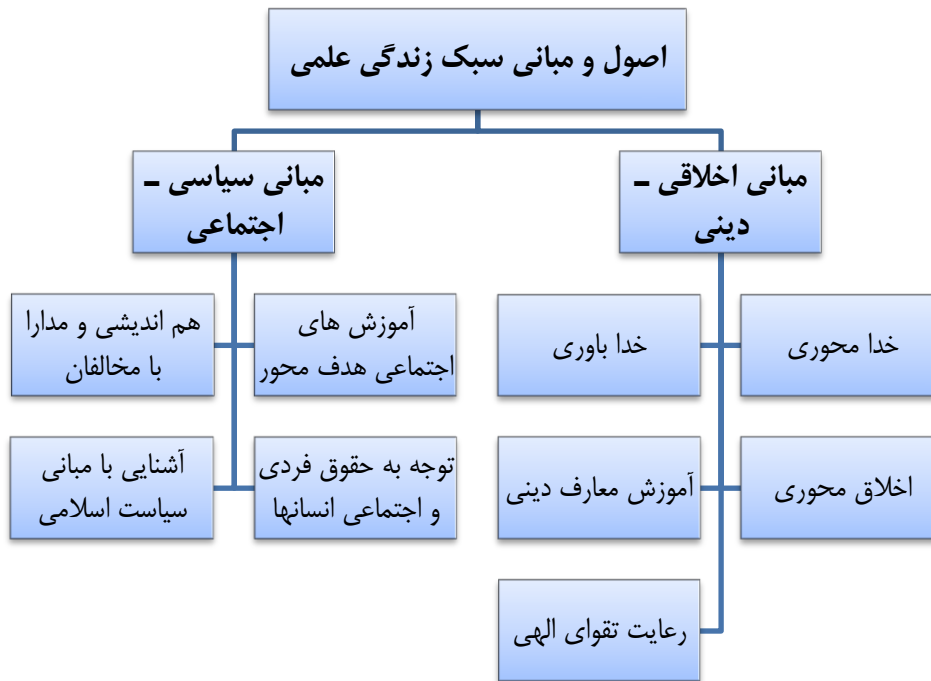
در حوزه مباحث اخلاقی و دینی تعلیم و تربیت می‌بایست به امور ذیل توجه شایانی صورت گیرد: خدا باوری، خدا محوری، اولویت آموزش معارف دینی، اخلاق محوری و رعایت تقوای علمی.

در حوزه سیاسی و اجتماعی نیز می‌بایست امور ذیل مورد توجه جدی قرار گیرند: هم اندیشی و مدارا با مخالفان، آموزش‌های اجتماعی هدف محور، آشنایی با مبانی سیاست اسلامی و توجه به حقوق فردی و اجتماعی انسانها.

در نهایت پس از بررسی سبک و سیره آن امام همام به عنوان کسی که امروزه افتخار جامعه شیعیان بوده و گستره آموزه‌های وی در علم و دانش باعث شده است که مکتب شیعه را مکتب جعفری نیز بنامند، می‌توان به این نتیجه رسید که از منظر آن حضرت (ع)، الگوی سبک زندگی علمی در جامعه اسلامی می‌بایست بدین صورت و بر اساس شاخصه‌های فوق تنظیم و تدوین گردد:

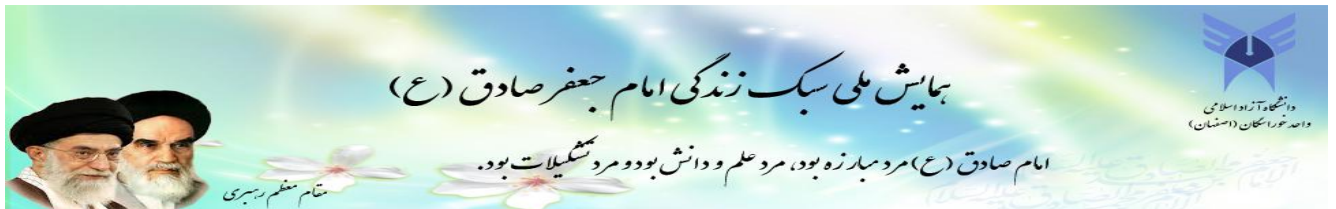


نمودار شماره ۱: الگوی سبک زندگی علمی از منظر امام صادق (ع)



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، احمد (۱۳۶۸)، اصول و روش های تربیت در اسلام، تهران: واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
۴. باهنر، محمد جواد (۱۳۶۰)، انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: نور سیما.
۵. بهشتی، احمد، (۱۳۶۰)، تربیت از دیدگاه اسلام، قم: دفتر نشر پیام.
۶. پیازه، ژان، (۱۹۶۹م)، روان شناسی و دانش آموزش و پرورش، ترجمه علی محمدکاردان، تهران: دانشگاه تهران.
۷. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۶۰)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۳۵۸)، تحف العقول، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۹. حیدر، اسد (۱۳۶۹)، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۰. خامنه‌ای، علی (۱۳۸۶)، پیشوای صادق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۷)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. شریعتمداری، علی (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۱۳. شریعتمداری، علی (۱۳۸۰)، روان شناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر.
۱۴. شلبی، احمد (۱۹۵۱م)، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. شهیدی، جعفر (۱۳۶۰)، زندگانی امام صادق،



۱۶. عطاران، محمد (۱۳۶۸)، آراء مریبان بزرگ مسلمان در مورد تربیت کودک، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۱۷. عقیقی بخشایشی، علی (۱۳۶۳)، امام جعفر صادق؛ پیشوا و رئیس مذهب، تهران: دفتر نشر نوید اسلام.
۱۸. غزالی، محمدبن محمد (۱۳۶۱)، کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، تهران: انتشارات بهجت.
۱۹. غزالی، محمدبن محمد (۱۳۷۲)، احیاء علوم الدین، ترجمه خوارزمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت: دارالتعارف.
۲۱. کمپانی، فضل الله (۱۳۶۳)، سخنان امام صادق (ع)، تهران: موسسه مطبوعاتی خزر.
۲۲. محمدی، علی (۱۳۷۹)، رهنمودهای امام صادق به عبدالله بن جنذب، ماهنامه ی کوثر، شماره ۴۰.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، اخلاق و عرفان اسلامی، نشریه معرفت، شماره ۴۹.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، چاپ ۲۸.
۲۵. موسوی بجنوردی، سید کاظم (۱۳۸۱)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲۶. نصیری، عبدالله (۱۳۷۸)، امام، فرهنگ و دانش، نشریه ایران، شماره ۱۱.
27. Joseph, B, Pamela (et) (2000), Culture of Curriculum, London: Lawrence Erlbaum Associates Publisher.
28. Mehndiratta, Mamta (2002), Dictioinary of Education, New Delhi: K.S.Paperbacks Publisher.
29. Otto, J. Henry (1950), Principles of Elementary Education, New York: Pinehart & INC Publisher.
30. Singh, R, Raja (1991), Education for the Twenty-First Century Asia-Pacific Perspectives, Bangkok: Unesco Principal Regional Office for Asia and the Pacific.
31. Suarez-Orozco, M. & oin-Hilliard, D. B (2004), Globalization, Culture and Education in the New Millennium, London: University of California press.
32. Winch, Christopher & Gingell, John (1999), Key Concepts in the Philosophy of Education, London: Routledge.